

معرفی جُنگِ خطی مُلامحمدعلی آگه کشمیری

رضا سرلک

نگارنده، در کتابخانه خود جُنگی به صورت بیاض در قطع پالتویی به ابعاد ۲۲×۱۱ سانتی متر مربع دارد که سطرهای آن از چپ به راست شروع می شود و شامل ۵۷۲ صفحه است. سرلوحی در ابتدا دارد و جدول ها و حواشی گل و بوته دارِ طلاکاری سرتاسر صفحات نسخه را مُزین کرده است. متن بسیاری از صفحات، علاوه بر حواشی و جدول ها که تماماً طلاکاری است، به طرز زیبایی نیز طلاپاشی شده است. تمام صفحات جُنگ به رنگ نخودی است و درون جدول ها که اشعار شاعران آمده است، به سه رنگ صورتی، خامه ای و مغزپسته ای زینت یافته؛ کاغذ نسخه بسیار نازک و پوست پیازی است و با خط نستعلیق هندی بسیار زیبا و خوانایی نوشته شده است و از چپ به راست خوانده می شود. تقریباً در نیمی از نسخه، در

هر صفحه ۸ بیت آمده و نیم‌دیگر آن در هر صفحه ۱۰ بیت. آغاز نسخه با ابیاتی با عنوان «تحسین» شروع می‌شود که مطلع آن چنین است:

ای که بسم‌الله لطف تو بود افسر ما نام تو، نام خدا، تاج سر دفتر ما
از آن پس نام شاعران و عنوان غزل‌ها تماماً با خط قرمز (شنگرف) آمده‌است.
از قرائن و از نام شاعرانی که اشعارشان در نسخه آمده است چنین
استنباط می‌شود که نسخه، متعلق به سده ۱۲ هجری است. اما متأسفانه از
آخر جنگ، چند صفحه ساقط و آخرین بیت آن این است:

بگاه جلوه بر افشان ز ناز گیسو را ز تار گیسو زه کن کمان ابرو را
کاتب و گردآورنده این بیاض، خود شاعری است توانا به نام ملامحمدعلی
آگه، که در صفحه ۲۹۰، اشعار خود را با عنوان «لمحرره ملامحمدعلی آگه»
با خط شنگرف نقل کرده است و مکرر در صفحات: ۱۱۰، ۱۹۴، ۲۹۰،
۳۲۲، ۴۴۴، ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۹-۴۶۱ و ۴۹۳، اشعاری
تحت عنوان: آگه یا لمحرره (با تخلص آگه) آمده است که باید از همین
ملامحمدعلی باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این شاعر، گردآورنده و
خطاط نیز بوده است و احتمالاً تذهیب‌ها و زینت صفحات نیز از خود او
باشد. در صفحات ۴۵۷ و ۴۵۸ غزلی از آگه (که غزل مشتاق اصفهانی را
استقبال کرده) با این مطلع شروع می‌شود:

اوزیر پرده بنمود زلف و عذار هر دو من نقد کفر و ایمان کردم نثار هر دو
و در بیت دیگر از همین غزل می‌گوید:

آن سرمه صفاهان من از دیار کشمیر

منظور چشم یاریم گشته غبار هر دو

ای جان بیا و بنگر آگه چه خون دل خورد
تا گشت لفظ و معنی یکجا دچار هر دو
از این غزل می توان یقین داشت که سراینده از دیار کشمیر بوده است ولی
نامش در تذکره چهار جلدی شعرای کشمیر، تألیف حسام‌الدین راشدی،
چاپ پاکستان نیامده است و مرحوم عبدالرسول خیامپور نیز، در فرهنگ
سخنوران، نامی از او نبرده است و در فهارس خطی استاد منزوی و فهرست
مشترک هند و پاکستان و همچنین تذکره‌های بسیار دیگری که جست‌وجو
شد نیز نامی از او دیده نشد. آقای عارف نوشاهی، محقق پاکستانی که خود
متخصص نسخه‌های خطی آن دیار است، نام این شاعر را در جایی نیافته و
ظاهراً تا امروز، این بیاض، تنها نسخه‌ای است که اشعار آگه کشمیری آن هم
به خط خودش در آن ضبط شده و نسخه‌ای منحصر به فرد است. تاریخ
زندگی شاعرانی که نامشان در این جُنگ آمده است هیچ‌کدام پس از قرن
دوازدهم هجری نیست و تعدادی از آنان نیز گمانمند و احتمال به یقین آگه
کشمیری نیز در قرن دوازده هجری می‌زیسته است. من ابتدا به شرح مطالب
و اشعار مهمی که در این نسخه آمده می‌پردازم، سپس غزلی از خود شاعر
(آگه) می‌آورم و در پایان، صورت اسامی شاعرانی را که نامشان در این جُنگ
آمده به ترتیب الفبا ذکر می‌کنم.



اشعاری که به مناسبت‌های مختلف سروده شده است

۱. در منقبت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دوازده امام و پنج تن

- علیهم السّلام، از ابن حسام، صص ۲۲۰-۲۲۵.
۲. در منقبت حضرت شاه علی بن موسی الرضا علیه السّلام، از شاه حسین خالص، صص ۹۱-۹۶ و ترجیع بند تأیید آن در ۱۴ صفحه که آخر آن را، از صفحه ۹۶ به بعد، مخصوصاً پاک کرده‌اند.
۳. کوکنارنامه از ملاجنوبی، صص ۳۲۸-۳۳۵.
۴. جواب کوکنارنامه از محمد فائق، ص ۳۳۵.
۵. در مذمت چرسیان از ملا محمد علی آگه (صاحب جنگ)، صص ۳۱۶-۳۲۴، به همراه دو تمثیل دیگر درباره چرسیان از آگه.
۶. شهر آشوب از آگه، صص ۱۱۰-۱۲۰، انتقاد از اوضاع اجتماعی آن زمان هندوستان و شماتت کردن گروه زیادی که احتمالاً منصب‌های اداری داشته‌اند؛ به جز شخصی به نام «سامی» که در ابتدا با این دو بیت از او به احترام یاد کرده است:
- مرا تقویت از الطاف سامی است دلم در بند اطلاق گرامی است
 ندارم من دگر از پیش و از پس بجز فضل خدا و لطف تو، کس
 و در پایان نیز چنین آورده است:
- توقع دارم از الطاف سامی
 برغم حاسدان باشم گرامی
 اگر پست و بلندی رفته در حرف
 شود در کار آگه عفو تو صرف
 و بدین طریق از سامی طلب حمایت و بخشش می‌کند.
 احتمالاً خود آگه یا شاید شخص دیگری قسمت اول این شهر آشوب را پاک کرده است و معلوم نیست به چه دلیل این کار انجام گرفته است.

۷. مثنوی معراج الخیال از تجلی، صص ۲۴۸-۲۷۳.
۸. قضا و قدر از سلیم، صص ۲۲۶-۲۴۸.
۹. قضا و قدر از محمد رضا مشتاق تخلص، صص ۲۹۳-۳۱۶.
۱۰. مخمس از حافظ، صص ۳۴۰-۳۴۳، که مسلماً حافظ شیرازی نیست و باید حافظ دیگری باشد.
۱۱. مخمس از نظمی، صص ۳۴۳-۳۴۴.
۱۲. مسدس از شیدا، صص ۳۸-۴۵.

ملا محمد علی آگه در غزل زیر، ص ۴۵۷، این شعر مشتاق را که مطلع آن چنین است، استقبال کرده است:

« کردیم سیر گلشن تا ما و یار هر دو گشتند بلبل و گل بی اعتبار هر دو »



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
آگه
رتال جامع علوم انسانی

او زیر پرده بنمود، زلف و عذار هر دو
من نقد کفر و ایمان، کردم نثار هر دو
از من بجز طپیدن، کار دگر نیاید
کز دل شکیب و طاقت، برد آن نگار هر دو
در عشق او زمانی، آرام دل ندارم
کز زلف و رخ نموده، لیل و نهار هر دو

در چشم گریه خیزم، لخت جگر ز مژگان
 از دور می نماید، منصور و دار هر دو
 من نقد جان و دل را، کردم نثار پایت
 بشمار سیم و زر را، بی اعتبار هر دو
 از بس بجا پرستم، بالای راستش را
 افتاده سرو و قمری، از کار و بار هر دو
 آن سرمه صفاهان، من از دیار کشمیر
 منظور چشم یاریم، گشته غبار هر دو
 شمع از وصال رویت، من از فراق مویت
 در سوز عشق هستیم، زار و نزار هر دو
 یارب شبی شود آن، کاندر حریم وصلش
 نبود رقیب باشیم با یار، یار هر دو
 ای سرو قد گلرخ، سوی چمن خرامی
 هست عندلیب و قمری، در انتظار هر دو
 ماه منیر و لاله، از مهر عارض تو
 هم شهره گشته هر یک، هم داغدار هر دو
 تا دیده های خود را، شاهین صفت ندوزی
 کی صید لفظ و معنی، گردد شکار هر دو
 گر طالب خدایی، در روز و شب نگه کن
 گردد صفات و ذاتش، بر آشکار هر دو
 وحدت ز عین کثرت، می بین و باش مسرور
 روشن چراغ و شمع است، از یک شرار هر دو

از بحر می توان دید، موج حیات ما را
 کاخر به بین گرفتیم، یک جا قرار هر دو
 تا برگرفت آن مه، برفیع زرخ به شوخی
 گشته خجل ز رویش، باغ و بهار هر دو
 ای جان بیا و بنگر، «آگه» چه خون دل خورد
 تا گشت لفظ و معنی، یکجا دچار هر دو

و آگه، این بیت «خان دوران» را (ص ۴۴۴) نیز استقبال کرده است:
 سحر خورشید لرزان بر سرکوی تو می آید
 دل آئینه را نازم که بر روی تو می آید

آگه

به تسخیر جهان، زان چشم جادوی تو می آید
 که کار ذوالفقار از تیغ ابروی تو می آید
 بزور شیریت روبه شود آن عنتر و عمر [و]
 شکستن قلعه خیر ز بازوی تو می آید
 پی سنجیدن کامل عیاری یوسف کنعان
 بجای سنگ صحرا در ترازوی تو می آید
 شده خون در دل آهو شود تا نافه اش مشکین
 پی در سوزۀ بوئی به گیسوی تو می آید

اگر یکدم شهید تشنگان کربلا گردی
 زلال چشمه کوثر نه در جموی تو می آید
 نگوئی بی سبب احرام عشقت بسته‌ام برتن
 ثواب حج اکبر در کف کوی تو می آید
 شکوه آب رنگ گل دو چندان در چمن بینم
 مگر باد صبا امروز از کوی تو می آید
 چنان گردیده‌ام خاک از خیال گلشن رویت
 ز خاکم گرگلی سرزد ازو بوی تو می آید
 چو شبنم محو خورشید رخت گشتن بود کارم
 ز خود هر کس فنا گردد بلی سوی تو می آید
 سراسر عین عالم را به زیر تیغ آوردن
 ز کس هرگز نمی آید، ز ابروی تو می آید
 نیارم کرد جرأت تا شوم محرم که در بزمت
 معرق آتش سوزنده از خوی تو می آید
 خس پیمانانه را آفت رسد از شعله سرکش
 خط نورسته را ترسم که بر روی تو می آید
 شود سرو از خجالت آب در جوها روان گردد
 پی سیر چمن گر سرو دلجوی تو می آید
 ز غفلت بر در دیر و حرم گشتم ندانستم
 که در گوش دلم از شش جهت هوی تو می آید
 ز طبع خان دوران جُست آگه مصرع عالی
 «سحر خورشید لرزان بر سر کوی تو می آید»

صورت الفبایی سرایندگان که نامشان در جنگ آمده است

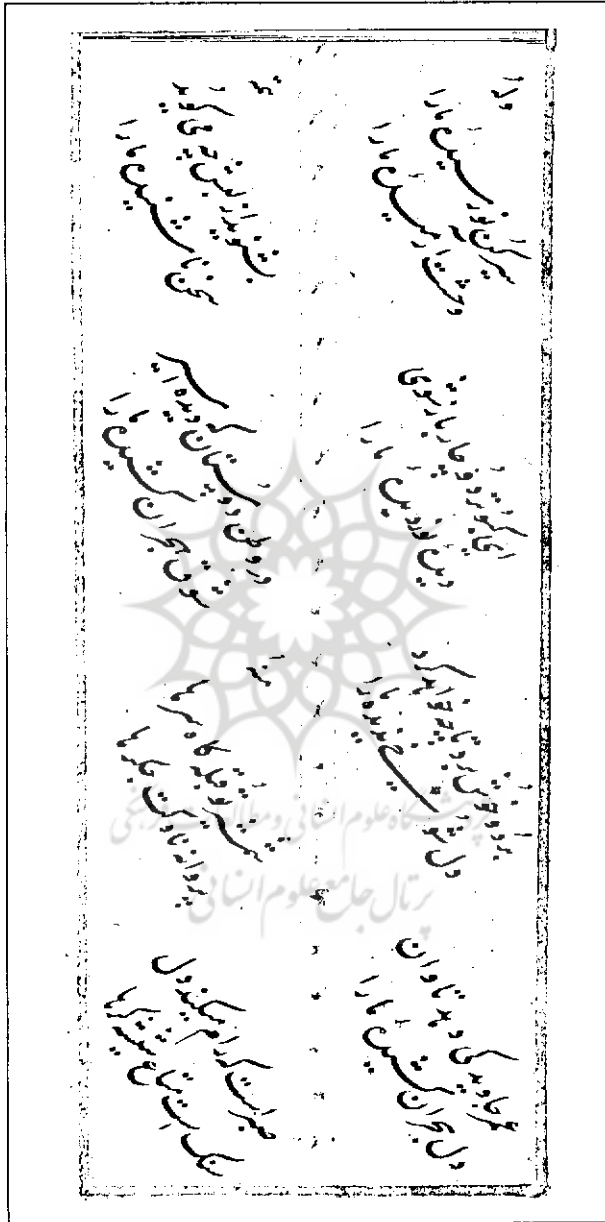
۱	آصفی	۲۰	اهلی
۲	آفرین	۲۱	ایمن
۳	آگه، ملامحمدعلی شاعر و	۲۲	باقر داماد، میر
	کاتب جنگ	۲۳	باقی
۴	ابراهیم خان، نواب	۲۴	بوعلی سینا
۵	ابن حسام	۲۵	بهایی شیرازی
۶	ابوالوفای خوارزمی	۲۶	بیدل
۷	اثر	۲۷	بینش
۸	احمدخان پادشاه گیلان	۲۸	تجلی
۹	ادهم	۲۹	تحسین
۱۰	استاد	۳۰	توفیق
۱۱	اسیر	۳۱	جامی
۱۲	اسیر، میرزا جلالا	۳۲	جائی
۱۳	اشرف	۳۳	جلی، واسع
۱۴	اشرف، سعیدای	۳۴	جدیدی
۱۵	الهی، میر	۳۵	جعفر
۱۶	امی	۳۶	جنوبی، ملا
۱۷	امید	۳۷	جولا
۱۸	امید، قزلباش خان	۳۸	جویا
۱۹	امیر خسرو	۳۹	حافظ

۴۰	حزین	۶۲	زیب النساء
۴۱	حسن بیک شاملو	۶۳	ساطع
۴۲	حسینی	۶۴	سامی
۴۳	حشم	۶۵	سایل، مولانا
۴۴	حلیمی استرآبادی	۶۶	سعدالدین
۴۵	حیرت	۶۷	سعدی شیرازی
۴۶	خالص	۶۸	سعیدای اشرف
۴۷	خالص، شاه حسین	۶۹	سقا
۴۸	خان جهان بهادر	۷۰	سلیم
۴۹	خان دوران	۷۱	سیادت
۵۰	خواجه نورالله	۷۲	سیف‌الدین
۵۱	داماد، میرباقر	۷۳	شاملو، حسن بیک
۵۲	دانا	۷۴	شانی
۵۳	دیوانی، نورالله	۷۵	شاه حسین خالص
۵۴	ذاکری	۷۶	شاه عباس الحسین
۵۵	رابط	۷۷	شاه همدانی
۵۶	راضی	۷۸	شوکت
۵۷	رحیم خان	۷۹	شهرت
۵۸	رسوا	۸۰	شهیدا
۵۹	رفیع	۸۱	شیدا
۶۰	رفیعا، میرزا	۸۲	صائب
۶۱	زلالی	۸۳	صوفی

۱۰۶	قاسم	۸۴	صیدی، میر
۱۰۷	قاسم خان	۸۵	ضیاء اللہ
۱۰۸	قبول	۸۶	طالب امین
۱۰۹	قدسی	۸۷	طالع
۱۱۰	قصاب	۸۸	طغرا
۱۱۱	قلندریک	۸۹	طہوری
۱۱۲	کاشف	۹۰	ظفرخان
۱۱۳	کلیم	۹۱	عالی
۱۱۴	کمال اسماعیل	۹۲	عبّاس الحسینی
۱۱۵	کنجی	۹۳	عشقی
۱۱۶	گرامی	۹۴	عطایی
۱۱۷	مجدوب	۹۵	علوی
۱۱۸	محترم	۹۶	غنی
۱۱۹	محتشم	۹۷	غیرت
۱۲۰	محمد خان فخرالدین	۹۸	فاضل
۱۲۱	محمد علی میرزا	۹۹	فائق
۱۲۲	محمد فائق	۱۰۰	فخرالدین محمد خان
۱۲۳	محمد ہاشم	۱۰۱	فردوسی
۱۲۴	مخلص	۱۰۲	فصاحت خان
۱۲۵	مرتضی قلی سلطان	۱۰۳	فطرت
۱۲۶	مشتاق	۱۰۴	فغانی
۱۲۷	مشتاق، محمد رضا	۱۰۵	قاتل

۱۲۸	معزمیرزا	۱۴۵	نصرت
۱۲۹	معنی	۱۴۶	نصیبی
۱۳۰	مقیم	۱۴۷	نظامی
۱۳۱	مکتوبی	۱۴۸	نظمی
۱۳۲	ملا جنوبی	۱۴۹	نظیری
۱۳۳	مناسب	۱۵۰	نوا
۱۳۴	منوچهری	۱۵۱	نواب ابراهیم خان
۱۳۵	منیر	۱۵۲	واسع جبلی
۱۳۶	مولوی	۱۵۳	واقف
۱۳۷	میرباقر داماد	۱۵۴	واله شهید
۱۳۸	میرزا جلالا	۱۵۵	وحشی
۱۳۹	میرزا قلندریک	۱۵۶	وحید
۱۴۰	میرالهی	۱۵۷	وزیری
۱۴۱	میرنجات	۱۵۸	هجری
۱۴۲	نازک	۱۵۹	هلالی
۱۴۳	ناصر علی	۱۶۰	یحیی لاری
۱۴۴	نجات، میر		

اشعاری که سراینندگان آنها را نمی‌شناخته است، تحت عنوان «لا ادری» و «لا اعلم» آورده است. بین ابیات پراکنده از یک شاعر و یا حتی یک غزل از یک شاعر این کلمات با خط سنگرف کراراً به چشم می‌خورد. تمه، له، وله، عنه و منه لمحوره. این بیاض را در این چند ساله اخیر جلدی تمام گالینگور کرده‌اند و چند صفحه ناقص آن را ناشیانه وصله زده‌اند.



نمونه خط جنگ



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی